



دوره اول / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۰ / صص ۱۴۸-۱۲۵

بررسی انسان‌شناختی نظام طبقاتی آریا و رنا و داسا و رنا در کتاب دینی ریگ ودا

سید محسن سعیدی مدنی*

استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشگاه یزد

چکیده

هدف از این مقاله بررسی انسان‌شناختی آریا و رنا و داسا و رنا به معنای نظام طبقاتی کاست در جامعه هند از نگاه کتاب دینی «ریگ ودا» است. مطالعه حاضر با استفاده از روش اسنادی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد اگرچه آریایی‌هایی که به هند مهاجرت کردند مردمانی صحرائشین بودند، ولی تصور اینکه بین آنها هیچ‌گونه طبقه اجتماعی وجود نداشت مشکل به نظر می‌رسد، چون سرودهای ریگ ودا به طور مشخص و مختصر به سه طبقه مختلف آریا ورنایی اشاره دارد. این طبقات در ریگ ودا به نام‌های برهمن (روحانیان)، راجانیه (پادشاهان و اشراف)، وایزیه (کشاورزان، صنعتگران) که اساس توسعه طبقات بالاتر در جامعه آریا ورناست نام برده شده‌اند. این نظام طبقاتی به‌خوبی توانست ساختار اجتماعی ورنایی خاصی را در جامعه هند به صورت آریا و رنا و داسا و رنا ایجاد کند. تقسیمات ورنایی کاست ریگ ودایی توانست خط موازی بسیار نزدیکی را با نظام طبقاتی اوستایی ایرانیان تشکیل دهد. البته توجیح‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد هر دو نظام، منشأ مشترکی داشته‌اند و ثابت می‌شود که مهاجرت آریایی‌ها به هند، یک مهاجرت تدریجی از ایران به هند بوده است.

واژگان کلیدی: نظام طبقاتی، کاست، ورنای، ریگ ودا، آریایی، آریا و رنا، داسا و رنا، هند.

*. m.saeidi@yazduni.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲

مقدمه

سیستم آریا ورننا و داسا ورننا به معنای نظام طبقاتی کاست در هند، یک نهاد کاملاً اجتماعی است که از مذهب هندوییزم مشتق شده و ساختار و رویکرد طبقاتی آن هنوز بر کل اجتماع و مذهب و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هندی‌ها در روستاها و شهرهای این کشور حاکم است. تقسیم‌بندی اجتماعی یکی از انواع دسته‌بندی پدیده‌های اجتماعی در جامعه جهانی است. این پدیده در جوامع مختلف هم برحسب شکل و هم برحسب درجه متفاوت است. زمانی که با چنین تقسیم‌بندی‌هایی در جوامع مختلف مواجه می‌شویم، می‌گوییم این چنین تقسیم‌بندی در همه جوامع رایج است. درحالی‌که اگر دارای ویژگی‌های خاص خود در یک جامعه باشد، بی‌مانند است. شکی نیست، نظام کاست در هندوستان پدیده‌ای کاملاً بی‌همتاست، زیرا چنین فرم توسعه‌یافته‌ای در مورد طبقات اجتماعی در دیگر جوامع، برحسب شکل و درجه ناشناخته است.

شکل‌بندی نظام طبقاتی جامعه هند از نهاد ریگ ودا که بر اساس ورننا^۱ به معنی رنگ است، و معنای وابستگی به نژاد می‌دهد، متولد شده است که اشاره به وضعیت نژادی مردم هند بعد از هجوم آریایی‌ها به این سرزمین دارد که افراد جامعه را به دو طبقه بزرگ کاست آریا ورننا و داسا ورننا تقسیم کرده است. در این کاست، انسان در درون آنها متولد می‌شود، در آنها زندگی می‌کند و در همان کاست‌ها نیز می‌میرد. بدین شکل نظام طبقاتی کاست دال بر محکومیت انسان در پذیرش سرنوشت خودش است.

تعریف واژه کاست

موضوع آریا ورننا و داسا ورننا که به معنای نظام طبقاتی کاست است، جایگاه وسیعی میان اندیشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی و در میان انسان‌شناسان دارد و به‌وجودآورنده نظرات و دیدگاه‌های متنوعی در مورد آن شده است. محققان انسان‌شناسی معتقدند، کاست کلمه‌ای است با ریشه پرتغالی که وارد زبان انگلیسی شده

1. Varna

است. اما در دایرةالمعارف انسان‌شناسی آمده که از زبان اسپانیایی و احتمالاً مشتقی از واژه کاستاس از زبان لاتین به معنی عفیف و پاکدامن است که در نیمه قرن پانزدهم میلادی به وسیله مسافران پرتغالی که وارد ساحل مالابار در هند می‌شدند، رایج شده است. این واژه ظاهراً به معنی اصالت خونی و نژادی است (دایرةالمعارف انسان‌شناسی فرهنگی، ۱۹۹۶، ص. ۱۷۷). این واژه حتی به معنی دسته، صف و یا کلاس نیز ترجمه شده اما تمام ترجمه‌ها نشان می‌دهد این واژه بیشتر به اصالت خونی و نژادی برمی‌گردد که کلماتی چون عفیف و پاکدامن، پاکی، خلوص، دسته، صف، کلاس را می‌تواند در خود جای دهد (دایرةالمعارف بریتانیکا، ۱۹۹۳، ص. ۹۳۰). واژه کاست در جامعه هند موسوم به «جات» یا «جاتی» است که به معنای طبقه، دسته، تبار، نسل و اصل و نسب و گروه گفته است (دایرةالمعارف انسان‌شناسی، ۲۰۰۵، ص. ۴۴۷) و در فارسی نیز به معنای طبقه اجتماعی است. کاست به نظام قشربندی اجتماعی بسته‌ای نیز اطلاق می‌شود که در آن افراد نمی‌توانند از یک سطح اجتماعی به سطحی دیگر، آزادانه حرکت کنند (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۲).

میشل پانوف^۱ و میشل پرن^۲ می‌نویسند: «نظام کاست به گروهی اطلاق می‌شود که دارای مرزهای محدود و عملکردهای ویژه‌ای در قلمرو شعائر دینی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی هستند و دارای معیار خاص برای آن دسته از معیارهای تشخیص است که مانع روابط اجتماعی یک کاست به کاست دیگر می‌شود که به وسیله نوعی ایدئولوژی تزکیه به‌ویژه تزکیه خون، احاطه و پنهان شده‌اند (میشل پانوف، میشل پرن، ۱۳۶۸، ص. ۷۸). آلن بیرو^۳ کاست را عبارت از گروه اجتماعی بسته‌ای می‌داند که شکل ازدواج در آن به صورت درون‌همسری است، و افراد وابسته به کاست دارای مشاغل، اعتقادات، آداب، مناسک و سنت‌های ویژه‌ای هستند (بیرو، ۱۳۶۶، ص. ۴۳).

مجموعه‌مدار بیان می‌کند که بسیاری از محققان همانند کتکار، سنارت، ریزلی و

1. Michel Panoff

2. Michel Perrin

3. Alen Biro

نسفیله معتقدند کاست نظام اجتماعی بسته‌ای است که دارای سه ویژگی اصلی است: الف) عضویت در هر گروه کاستی، به افرادی تعلق دارد که در همان گروه کاستی خود به دنیا آمده باشند. به نوعی عضویت در هر گروه محدود است و شامل تمام انسان‌ها نمی‌شود؛ ب) ازدواج اعضای هر گروه کاستی با افراد خارج از گروه کاستی خود اکیداً ممنوع است؛ ج) افراد گروه کاستی شغلی دارند که به صورت یک میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر در خانواده‌شان انتقال یافته باشد (مجموعه‌مدار، ۱۹۴۹، ص. ۳۰). این محققان معتقدند هریک از این گروه‌ها نام مخصوصی دارند که به آن نام خوانده می‌شوند و برخی از این گروه‌های کوچک تحت یک نام مشترک با گروه‌های دیگر دسته‌بندی می‌شوند، و یک نام بزرگ‌تر می‌گیرند. همه این گروه‌ها در اصل خود زیرگروه‌هایی از گروه‌های بزرگ‌تر هستند که نام‌های مستقلی دارند؛ بنابراین هر کاستی دارای زیرمجموعه خاصی برای خود است که به گروه‌های کوچک‌تر واژه زیر کاست و مجموعه چندین زیر کاست را کاست می‌گویند (انصاری، ۱۹۶۰، ص. ۷۸).

تقسیم جامعه به گروه‌های متعدد بر اساس اصول گوناگون، تقریباً طرحی همگانی است. هر جامعه‌ای خواه پیشرفته و یا ابتدایی اصولاً به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شود. شواهد انسان‌شناسی به‌خوبی نشان می‌دهند حتی جوامع ابتدایی، دارای تقسیم‌بندی‌های گروهی در داخل خودشان بوده‌اند. گاه تقسیمات برای ایجاد قوانین ازدواج است؛ گاه مخصوص گروه‌بندی‌های خویشاوندان گوناگون به راه‌های مختلف که به بخش‌ها و زیرمجموعه‌های دیگر تقسیم می‌شوند. شبیه این مسئله در کشورهای صنعتی بزرگ همانند آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی نیز وجود دارد. در این کشورها نه تنها طبقات اجتماعی بر اساس پایه‌های اجتماعی و اقتصادی است، بلکه مجموعه‌ای از طبقه‌بندی‌های دیگر همانند رنگ پوست و نژاد نیز در میان آنها وجود دارد. جدا از رنگ پوست و نژاد، در کشور انگلیس بنیاد و اصل این مجموعه ارثی است. بدین معنی که اشراف در یک سمت این مجموعه قرار گرفته‌اند و افراد غیر اشرافی در سمت دیگر این مجموعه بزرگ اجتماعی قرار دارند. هرچند امروزه در

انگلیس این تفاوت‌ها و طبقات اجتماعی نسبت به پنجاه سال پیش از اهمیت کمتری در جامعه برخوردار است، اما هنوز این اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، آشکار و مهم است؛ با این وجود، کاست با کمال میل و یا حتی با انزجار از سوی مردم پذیرفته می‌شود. امروزه با توسعه فناوری تکنولوژی و صنعتی شدن کشورها، این نظام اجتماعی در غرب کاملاً در حال از بین رفتن است، ولی در هند همچنان پابرجاست.

ترکیب منابع تاریخی و انسان‌شناسی در ارتباط با گذشته بسیار دور تا امروز برای ما با ارزش است و به ما این امکان را می‌دهد تا رشد تدریجی این پدیده شگرف انسانی را در نگاهی تاریخی و انسان‌شناختی در کشور هند مورد مطالعه قرار دهیم. مطالعه کلی تقسیم‌بندی‌های اجتماعی در جامعه هند نیازمند تقسیم‌بندی خاصی است. این تقسیم‌بندی را می‌توانیم به شکل زیر بیان کنیم:

الف) خصلت‌های بیگانه و خارجی که در ادوار مختلف تاریخ از راه‌های مختلف پراکنده شدند و با موقعیت‌ها و فرهنگ‌های محلی ترکیب شده و مورد پذیرش قرار گرفتند؛

ب) شرایط اجتماعی غالب بر جامعه.

چنانچه گزارش‌هایی را از دوره‌های مختلف تاریخی جامعه هند مورد تحقیق و مطالعه قرار دهیم، می‌توانیم نمونه‌های ویژه‌ای از تماس‌ها و مهاجرت‌ها را که سبب اشاعه فرهنگی شده است، به‌خوبی آشکار کنیم مانند اینکه: آریایی‌ها چه کسانی بودند؛ نظام طبقاتی در هند چگونه به وجود آمد؛ تقسیم‌بندی افراد جامعه در نظام طبقاتی در هند چگونه شکل گرفته است؛ نظام طبقاتی در جامعه باستان ایران چگونه بوده است؛

نظام طبقاتی ورنایی در ریگ ودا چگونه بیان شده است؛ وارنا چیست؟

در کشوری همانند هندوستان که در آن تفاوت‌های نژادی، فرهنگی و اقتصادی عمیقی وجود دارد، گروه‌های مختلف نژادی، تقسیم‌بندی‌های اولیه خود را از لحاظ شغلی و نژادی به منظور داشتن یک زندگی مسالمت‌آمیز با وضعیتی خاص با هدف ادامه زندگی جمعی، ایجاد کرده‌اند تا بتوانند امکان زندگی کردن را در کنار یکدیگر

داشته باشند و بدین طریق توانستند حیات تازه‌ای را به جامعه جدید خود ببخشند. این مفهوم را می‌توان در کلمات ملموس‌تر به این طریق توضیح داد که ریشه فلسفی نظام کاست که همراه با خود این نظام رشد کرده، یک طرح کلی اجتماعی را فراهم می‌کند که در آن تمام انسان‌ها از انواع نژادها و سطوح مختلف اقتصادی و شغلی می‌توانند با هماهنگی در کنار یکدیگر زندگی کنند. این امر کاملاً امکان‌پذیر است که یک نهاد اجتماعی در روند رشد و توسعه خود به یک فلسفه خاص اهمیت بیشتری دهد تا امکان وجودش را توجیه کند. اساس ساختار اجتماعی هند عبارت است از نظام طبقاتی کاست که برای حفظ این نظام، باید فلسفه‌ای به منظور حفظ ساختار و نجات جامعه پدید آید.

موضوع اصلی در مذهب هندو این است که ایزدی به نام براهما وجود دارد که سرنوشت هر فرد را تثبیت کرده و این وظیفه مقدس هر هندویی است که آن را رعایت کند. این دقیقاً همان چیزی است که از یک هندو انتظار می‌رود که باید باور داشته باشد و به آن عمل کند. به همین دلیل است که دستورات و قوانین بارها برای طبقات پایین جامعه نظام طبقاتی کاست یادآور می‌شود که وضعیت کنونی‌شان به دلیل قانون کارما است، و این دارمای افراد است که در این رابطه باید دستورالعمل‌های کارما را به عنوان یک وظیفه اجرا کند. مفاهیم براهما، کارما و دارما سه ویژگی عمده فلسفه کاست هستند، براهما (جوهره اصلی)، کارما (سرنوشت) و دارما (ایمان) هستند (انصاری، ۱۹۶۰، ص. ۱۶).

آریایی‌ها در هند

آنچه ما در مورد آریایی‌ها می‌دانیم این است که آنان مردمانی صحرائشین بودند که به سرزمین هند مهاجرت کردند. آریایی‌ها که دارای تن نیرومند، و اشتهای زیادی برای هرگونه خوردنی و آشامیدنی و همچنین دارای مهارت و دلاوری در جنگ بودند، دیری نگذشت که سروری بر منطقه شمال هند از آن ایشان شد که با تیر و کمان می‌جنگیدند. رهبران‌شان جنگاورانی بودند که بر ارابه می‌نشستند و نیزه می‌افکندند. آنان زمین و

علف‌زار برای گاوهایشان می‌خواستند. در زبان آنان، واژه جنگ نشانی از افتخار ملی نداشت، بلکه به معنی آرزوی گاوهای بیشتر بود. آنان به آرامی راهشان را به طرف شرق در طول رودهای بزرگ سند و گنگ باز کردند تا همه هندوستان را زیر سلطه خود درآوردند (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱، ص. ۴۵۸).

نظر غالب درباره خاستگاه آریایی‌ها که حاصل پژوهش‌های زبان‌شناسان و دستاوردهای باستان‌شناسان است، این است که اقوام آریایی که تبارشان بخشی از مردم هند و ایران است، به عبارتی هندو ایرانی هستند، در جنوب شرقی روسیه و بخش‌هایی از آسیای مرکزی در پیرامون دریاچه آرال می‌زیسته‌اند. دو شناسه مهم اقوام و قبایل آریایی ایران و هند، باورهای مشترک دینی و زبان اینان است. برای قلمرو ایران، این باورها به وسیله آیین زرتشت، و در قلمرو هند به وسیله آیین هندو محفوظ مانده‌اند. با توجه به سنت‌ها و باورهای مشترک دینی زرتشتیان و هندوها می‌توانیم به نشانه‌هایی از دین آریایی‌ها دست یابیم. نکته قابل توجهی که بین آریایی‌ها و شاید تمام اقوام معروف به هندواروپایی در این ایام مشترک به نظر می‌آید، نظام پدرسالاری در خانواده و قبیله و نظام طبقات سه‌گانه بوده است. بدون شک طبقات سه‌گانه آریایی در آغاز در عرض یکدیگر بوده‌اند و در داخل تیره‌ها و قبایل، وجود این طبقات شاید بیشتر معرف تقسیم کار به شمار می‌آمده نه تفاوت در حیثیت. به‌هرحال نشانه‌ها حاکی است ایرانی‌های عهد آیرانه و نجه با هندی‌های عهد ودا مدت‌ها با هم در یک جا می‌زیسته‌اند (زرین‌کوب، ۱۳۸۴، ص. ۱۸).

چگونگی ایجاد نظام طبقاتی در هند

نهر و در این مورد می‌نویسد: آریایی‌ها دارای طبقات مختلف اجتماعی در جامعه خود بودند و سرودهای ریگ ودا به سه طبقه مختلف برهمن^۱ (روحانیان)، راجانیه^۲

1. Brahman

2. Rajanya

(اشراف)، وایزیه^۱ (وایسیه) اشاره دارد. مردمان بومی نیز به دو طبقه تمیز و غیر تمیز از سوی آریایی‌های تازه‌وارد تقسیم شده بودند که نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگ جامعه آریایی بر جامعه هند بود که بعدها به عنوان طبقات پایین‌تر با هم ترکیب شدند. واضح است که نظام طبقاتی ریگ ودا از خارج از هند سرچشمه گرفته و آریایی‌ها نظام طبقاتی خود را در هند اشاعه دادند. آمدن آریایی‌ها به هند مسائل تازه نژادی و سیاسی را به وجود آورد. نژاد درآویدی که در مقابل آریایی‌های تازه‌وارد شکست خوردند، تمدنی پُرسابقه را پشت سر خود داشتند؛ با این همه بدون تردید آریایی‌ها خود را خیلی برتر از ایشان می‌شمردند و در نتیجه شکافی عمیق میان دو نژاد وجود داشت. همچنین طوایف و قبایل عقب‌مانده بومی نیز بودند که به صورت صحراگرد یا جنگل‌نشین زندگی می‌کردند. از این تصادف‌ها و برخوردهای متقابل نژادها، به تدریج سیستم طبقاتی کاست بیرون آمد که در قرون بعد در زندگی هند تأثیر عمیقی گذاشت (نهر، ۱۳۵۰، ص. ۱۴۱).

با پیشرفت و توسعه جامعه آریایی‌ها و تغییر در وضع اقتصادی و اجتماعی‌شان این سیستم طبقاتی دارای زاینده‌های مختلفی شد که به شکل زیرمجموعه‌ها و زیرشاخه‌های متعددی درآمدند. این زیرمجموعه‌های بی‌شمار، به عنوان یک اصل و قانون درآمدند و خود را با کاست‌های عمده و اصلی که منشأشان را از وارنای ریگ ودا می‌دانند، یکی کرده‌اند. درست است که امروزه هریک از چهار وارنا را به عنوان یک کاست تلقی می‌کنند، ولی آنها در مقیاس گسترده‌تری در میان جامعه هند بیان می‌شوند. می‌توان مشابه نظام کاست در ریگ ودا را که بر اساس وارنا استوار است، در جوامع هندو اروپایی مشاهده کنیم. برای مثال، جامعه رُم به طور کلی به دو طبقه اعیان و عوام تقسیم می‌شده است. طبقات اجتماعی یونان باستان شامل شهروندان آزاد، ارتشیان و برده‌ها بود (شعبانی، ۱۳۷۴، ص. ۴۰)، اما با یک نگاه سطحی متوجه می‌شویم طبقه‌بندی‌های رومیان و یونانیان با طبقه‌بندی ودیک هندی منطبق و یکسان نیستند.

تقسیم‌بندی افراد در نظام طبقاتی هند

به عنوان یک واقعیت در طول دوره ریگ ودا، جامعه هند به دو گروه متمایز تقسیم می‌شدند: آریایی و غیرآریایی. قلمرو آریایی‌ها، شامل سه طبقه ورنای بود که عبارت بودند از: برهمن، راجانیا و وایسیه؛ درحالی‌که غیرآریایی‌ها در آن جامعه به عنوان داساها^۱ که بعدها به عنوان سودراها^۲ نامیده شدند، شهرت یافتند. آریا ورنای^۳ یا «مردم آریایی» و مردم بومی یا «داسا ورنای»^۴ نه تنها در رنگ پوست قهوه‌ای و سیاه بودند، بلکه از نظر قد نیز خیلی کوتاه‌تر از آریایی‌ها بودند. در باورها، زبان، اعتقادات، مذهب، آداب و رسوم، سنت‌ها و بسیاری از چیزهای دیگر نیز با یکدیگر تفاوت داشته‌اند (مجموعه‌دار، ۱۹۴۹، ص. ۳۳).

سودراها یا همان داسا ورنایها، بومیانی بودند که با شهروندان آریایی سازش کرده و یا آنکه اسیر شده و به عنوان پست‌ترین طبقه نظام طبقاتی کاست در درون طبقه آریایی‌ها، تحلیل رفتند. با ایجاد چنین طبقه‌هایی در نظام کاست، آریایی‌ها آنها را به رسمیت شناخته و در جامعه خود به عنوان شهروندان جدید انتخاب و جای دادند. در این مورد می‌توان نتیجه گرفت که انتخاب داساها در نظام طبقاتی کاست به عنوان طبقه سودراها، اصولاً برای رهایی از هرگونه آشوب و درگیری میان آریایی‌ها و مردمان بومی بوده و چاره‌ای جز رسمیت شناختن چنین افرادی در جامعه آریایی نبوده است؛ بنابراین این افراد به عنوان پست‌ترین طبقه در درون طبقه آریایی‌ها تحلیل رفتند. در کنار چهار ورنای اصلی، ما به پنجمین ورنای طبقه کاست نیز برمی‌خوریم که کمتر نام آن در نظام طبقات کاست هندوها آورده شده است: «پاریا»^۵ یا طبقه نجس‌ها که متشکل از افراد قبایل مختلف با فرهنگ بسیار ابتدایی و سبک زندگی بسیار کثیف بود که به چشم

-
1. Dasa
 2. Sodra
 3. Aria Varna
 4. Dasa Varna
 5. Parya

انسان‌های پست مشاهده می‌شدند و آریایی‌ها به اجبار برای حفظ نژاد و خون خود، آنها را در این طبقه قرار دادند تا مردم آریایی با آنها تماس پیدا نکنند و تداخل خونی و نژادی به وجود نیاید.

شکی نیست زندگی این مردمان اولیه به حدی برای جامعه آریایی نفرت‌آور بود که از نگاه آنها و طبق معیارهایشان منجر به تبعیض اجتماعی شدید میان آریایی‌ها و آنان شده بود؛ به طوری که دیوار بلند فرهنگی میان این جوامع کشیده شد که همچنان این دیوار فرهنگی پا برجاست. به هر حال این تبعیض اجتماعی بود که توانست اساس و بنیاد غیر قابل لمس بودن را در میان آنان ایجاد کند.

نظام طبقاتی در جامعه باستان ایران

در شاخه دیگر آریایی‌ها، یعنی ایرانیان نیز دارای چنین طبقه‌بندی اجتماعی بزرگی در جامعه خود بودند. این نظام طبقاتی در جامعه ایران در دوره باستان یعنی در دوره اوستایی، دارای سه طبقه مختلف بوده است اما منابع نشان می‌دهند این نظام بعدها در دوران ساسانیان به چهار طبقه متفاوت رسید و جامعه ایران را به چهار طبقه گوناگون تقسیم کرد (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص. ۴۰؛ شعبانی، ۱۳۷۴، ص. ۴۰)؛ یعنی اینکه تقسیمات ریگ ودایی درست شبیه به نظام طبقاتی اوستایی در ایران بوده که نشان می‌دهد منبع نظام طبقاتی میان دو کشور، منشأ مشترکی داشته و آریایی‌ها آن را به وجود آورده بودند و به دنبال مهاجرت به سرزمین هند، آن را نیز انتقال دادند (زرین‌کوب، ۱۳۸۴، ص. ۱۸).

نظام طبقه‌بندی ایرانیان هیچ‌گاه نتوانست صورت نظام طبقاتی کاست‌هایی را که در هند هست به خود بگیرد؛ چراکه اساس نظام طبقاتی کاست در هند این بود که آریایی‌ها خود را از غیرآریایی‌ها کاملاً جدا کنند و بر اساس طبقه آریا و رنا و داسا و رنا تقسیم شدند. این تقسیم‌بندی کم‌کم در خود آریایی‌ها هم اثر گذاشت و به تدریج تقسیم‌بندی دیگری بر اساس مشاغل و حرف در میان آنها به وجود آمد و به این ترتیب امور زندگی در جامعه آریایی طبقه‌بندی شد. طبقه وایسیه شامل دهقانان، کشاورزان،

دامداران و پیشه‌وران بود. طبقه کاشتریاها، حکمرانان و جنگاوران را تشکیل می‌دادند. در پایان، طبقه برهمنان که همان روحانیان بودند شامل متفکرانی بود که تصور می‌شد باید راهنمای جامعه در سیاست و دین باشند و ایدئال‌های نژادی و ملی را حفظ و حراست کنند.

در پایین این سه طبقه اصلی آریا ورنایا، طبقه داسا ورنایا یا سودراهای غیر آریایی قرار گرفتند که شامل کارگران عادی و غیرماهر و مزدوران می‌شد. در میان هندی‌های بومی، افراد بسیاری از قبایل هند نیز بودند که به تدریج با طبقه پایین اجتماع یعنی سودراها هم‌شکل می‌شدند و در میان ایشان جای می‌گرفتند. این جریان هم‌شکل شدن و در طبقه آنها جای گرفتن، جریان مداومی در میان آنها بود؛ همان‌گونه که امروزه نیز این جریان ادامه دارد. افراد آدیاسی یا افراد قبایلی که دارای ادیان خاص خود مثل آنیمیسیم، فیتیشسم‌پرستی، طبیعت‌پرستی و غیره هستند، وقتی به دین هندو گرایش پیدا می‌کنند و هندو می‌شوند باید عضو طبقه خاصی از طبقات نظام طبقاتی کاست بشوند تا بتوانند در آن هویت پیدا کنند. برای آنها این امکان وجود ندارد که برهمن یا کاشتریا و یا وایسیه شوند چرا که جزء آریا ورنایا نیستند و تنها طبقه سودراها برای آنها باقی می‌ماند و از طریق این هویت جدید است که شغلی در ردیف طبقه خود پیدا می‌کنند، ازدواج می‌کنند و ادامه زندگی می‌دهند.

نظام طبقاتی ورنایا در ریگ ودا

آریایی‌هایی که به سرزمین هند مهاجرت کردند، به دلیل اختلاف رنگ پوست میان خود و بومیان هندی، نظام طبقاتی را در جامعه هند پیشرفت گسترده‌ای دادند. تنها آثار باقی‌مانده که نشانگر تفکر و اندیشه این مردمان برای نسل‌های بعدی خود بود، سروده‌های ودایی است که بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح سروده شده‌اند (کیتکار، ۱۹۷۹، ص. ۳۶). نکته مهمی که در ریگ ودا وجود دارد، وجود سرود معروف و روحانی «پوروشا سوکت‌ها» است که به معنی پرورش است. در این سرود معروف است که اساس و پایه نظام طبقه‌بندی اجتماعی هند شکل گرفته و به وجود آمده است.

در بند ۱۱ و ۱۲ این سرود آمده:

❖ وقتی پوروشا (پرورش) را ذبح کردند، آن را به چند قطعه تقسیم نمودند، دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ ران‌ها و پاهایش را چه نامیدند؟

❖ دهان او برهن بود، و دو دستش راجینه، و ران‌هایش وایسیه، و شودر از پاهایش به وجود آمد (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۱۸۳). در ماندالای دهم سرود ۸۳ ریگ ودا نیز آمده است: «به سوی من آی، ای مینو، ای که رعد را چون سلاحی به دست داری، در فکر دوست خود باش و داسیوها را هلاک ساز» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۳۳۵). همچنین آمده است: «و سپس‌ای پوروراسه، ایزدان قدرت تو را در جنگ افزون ساختند تا دسیوها را از میان برداری» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۳۴۷). یا آنکه در ستایش میترا و وارنا ماندالای پنجم سرود هفتاد آمده است: «ای رودراها، ما را با پاسداران خود محافظت فرمایید و ما را نجات دهید. شما که در نجات‌بخشی ماهر هستید، باشد که ما خودمان دسیوها را مطیع سازیم» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۳۸۱).

نکته جالب توجهی که در سرودهای ریگ ودا مشخص است، دو دوره خاص را در جامعه آریایی به ما نشان می‌دهد، این دوره‌ها عبارتند از: دوران جنگ و خونریزی میان آریایی‌ها و داسیوها؛ و زمان صلح و آشتی میان این دو جامعه. قسمت اول سرودها، به صورتی است که بحث از کشتار و هلاک کردن داسیوها است مانند ماندالای دهم سرود هشتاد و سه. در قسمت دوم نیز بحث از صلح و آشتی است یعنی خاموش شدن آتش جنگ و درگیری میان دو جامعه آریا و رنا و داسا و رنا و قبول کردن داسیوها به عنوان شهروندان جدید از سوی آریایی‌ها. اکنون ریگ ودا از داسیوها مقام و مرتبه خاصی می‌سازد و آنان را به نوعی در کنار آریایی‌ها می‌نشانند تا آرامش نسبی در جامعه آریا و رنا برپا شود. در اندراو اندران بخش ۱۹ ریگ ودا آمده است: «داسه و آریا را از یکدیگر تشخیص داده بر همه نظر کرده میرم» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۳۵۷).

همچنین در ستایش اندرا (ماندالای دوم، سرود ۱۱) بند ۱۸ آمده است: «ای اندرای قهرمان، نیرویی را که با آن «وریترا» فرزند عنکبوت مانند «دانوه» را مقهور ساختی نگاهدار و دریچه روشنایی را به سوی آریا بگشا. داسیوها در طرف چپ تو قرار گرفته‌اند». در بند ۱۹ همین سرود آمده است: «آن مردانی را که تحت حمایت تو بر رقیبان خود پیشی گرفته‌اند، همان‌گونه که آریاها بر داسیوها غلبه کردند، احترام نمایم. این را برای ما (تو انجام داده‌ای) تو «ویشورپ» پسر «توشتر» را برای دوستی «ترتیه» هلاک ساخته‌ای» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۶۳). یا در بخش دیگری آمده است: «ای اندرا، ای قهرمان، تو آب‌های عظیم را که (اهما) پیش از این در بند کرده بود آزاد ساخته‌ای و آنها را پنخش نموده‌ای و به نیرویی که سرودها به تو بخشیده‌اند، آن برده را که لاف جاویدانی میزد فرو انداخته‌ای» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۵۹). در این قسمت برده را به داسیوها معنی کرده‌اند. همچنین در ماندالای پنجم سرود هفتاد ریگ ودا در ستایش میترا و وارنا آمده است: «ای روداها، ما را با پاسداران خود محافظت فرمایید و ما را نجات دهید، شما که در نجات‌بخشی ماهرید، باشد که خودمان داسیوها را مطیع سازیم» (گزیده ریگ ودا، ۱۳۶۷، ص. ۳۸۱). جمعاً ده بار نام داسیو و داسه در ریگ ودا آمده که شش بار آن، نام داسیو است و چهار بار آن نام داسه است.

اما سروده معروف دینی «پوروشا سوکت‌ها»، نشان‌دهنده تقسیمات خاص دینی است که تفکرات دینی به صورت یک پشتوانه خاص در حمایت از نظام طبقاتی کاست درآمده است. در این سروده دینی، برهمنان از دهان پوروشا بیرون آمدند و راجانیا که همان طبقه کاشتریا است از بازوان او و وایسیه نیز از قسمت ران و در پایان شودراها از قسمت پاهای پوروشا به وجود آمده‌اند. اگرچه طبق عقیده محققان صاحب‌نظر هندی، این سرود، نسبتاً جدید و تازه است و نمی‌تواند نمایانگر کار و مشاغل و تقسیم‌بندی نظام طبقاتی کاست در دوره ریگ ودا باشد، زیرا آریایی‌ها پیش از مهاجرت و ورود به سرزمین هند دارای سه طبقه متفاوت بودند و در اینجا بحث از چهار طبقه مجزا است (Dutt, 1951, p. 37).

طبقه‌بندی دوران ریگ ودا که در کتاب ریگ ودا آمده است، این مسئله را به وجود می‌آورد که در آن دوره ودایی جامعه هند به دو گروه بزرگ، «آریاوارنا» و «داساوارنا» تقسیم شده بود که طبقات اجتماعی کاست، تنها در درون طبقه «آریاوارنا» مطرح می‌شود و کلاً معلوم نیست این نظام طبقاتی کاست در کجای سرزمین هند شکل گرفته بود. محققان زیادی توافق دارند تشابه میان اوستا و ریگ ودا و تشابه بسیاری از ایزدان اوستایی و ریگ ودایی نشان می‌دهد هندوآریایی‌ها از طریق سرزمین ایران وارد هند شده‌اند. زمانی نیز اجداد این دو جامعه با یکدیگر در یک اجتماع بزرگ زندگی می‌کردند که دارای یک طبقه‌بندی بزرگ سه طبقه‌ای در درون جامعه خود بودند؛ یعنی پیش از آنکه آریایی‌ها به یک جامعه هندوآریایی درآیند و از جامعه اصلی خود جدا شوند و مهاجرت کنند و وارد سرزمین هند شوند، این طبقه‌بندی‌ها در درون جامعه آنها وجود داشته است؛ اما چگونه سروده دینی «پوروشا سوکت‌ها» به این شکل بیان می‌کند که این چهار طبقه اجتماعی کاست از بخش‌های مختلف بدن پوروشا ظاهر و متولد می‌شوند، و کلاً در چه زمانی سروده شده است، معلوم نیست (Masani, 1945, p. 31).

ما در نخستین بخش از ریگ ودا هیچ نامی از سودراها نمی‌بینیم، ولی در مقابل با لغت داسوها یا داساها که به معنای برده، نوکر و مستخدم است، مواجه می‌شویم؛ عنوان مردمان بومی سرزمین هند که تحت کنترل آریایی‌ها درآمده و به عنوان بردگان تحت سلطه آریایی‌ها فقط در بخش جدیدتر ریگ ودا آورده شده است، اما در «پوروشا سوکت‌ها» برای اولین بار از طبقه سودراها نام برده می‌شود.

طبق گفته‌های انسان‌شناسان هندی، چنانچه بخواهیم اصل نظام طبقاتی کاست را بدانیم، باید از مطالعه آثار سانسکریت در مورد ورنای آغاز کنیم. این واژه که یک کلمه دوگانه است، هم به معنی رنگ است و هم به معنای طبقه بسیار مهم بوده است (مجموعه‌دار، ۱۹۴۹، ص. ۳۰). برای درک بیشتر نظام طبقاتی کاست، باید نگاهی به نژادهای اولیه هند که عاملین اصلی وارنا بودند، بیان‌دازیم. آنها مردمان اولیه درآویدی^۱ و

پرتو مدیترانه‌ای‌ها^۱ (جلالی نایینی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص. ۶) بودند که امروزه آنها را در جامعه هند به نام آدیاسی یا مردمان قبایلی که در جنگل‌های هند زندگی می‌کنند، می‌شناسیم و از تداخل نژادی آریایی‌ها و آنها، نظام کاست بر اساس رنگ پوست شکل گرفت. عواملی که در ابتدا توانست این نژادها را با یکدیگر ترکیب کند و تداخل نژادی به وجود آورد عبارت بودند از: ۱) جذب افراد به سمت زندگی آرام و ثابت برای افراد باصالت؛ ۲) کم بودن زن در میان مهاجمین آریایی؛ ۳) مرحله گسترش و توسعه تمدن در آویدی‌ها در سرزمین هند.

عوامل فوق‌نه تنها نقش مهمی در آمیختگی نژادی داشتند، بلکه در برخوردهای فرهنگی نژادهای مختلف نیز نقش بسیاری داشته است (مجموعه‌دار، ۱۹۴۹، ص. ۳۳). اما بعداً آریایی‌ها متوجه شدند این تداخل نژادی آریایی‌ها با آدیاسی‌ها عامل از بین رفتن نژاد خود آنها خواهد شد، و در نتیجه قوانین بازدارنده برای حفظ جامعه آریایی از سوی برهمن‌های روحانی به وجود آمد. تقسیمات ریگ و دایسی به مرور زمان و در مراحل بعدی به طبقات متعدد و گوناگون رشد و توسعه یافتند. تقسیم‌بندی اشاعه‌یافته ریگ و دایسی، به تدریج با محدودیت‌های معین شدت یافت و عامل تکثیر لایه‌های زیاد کاست موجود در هند شد.

منشأ وارنا

همه محققان علوم اجتماعی معتقدند تنها منشأ وارنا، سروده‌ای به نام «پورشا سوکت‌ها»^۲ در کتاب ریگ ودا است. در این سرود است که برای اولین بار نام چهار طبقه نظام اجتماعی کاست به نام‌های برهمن، راجانیا، وایسیه، و سودراها آورده شده و این طبقات اجتماعی از طریق ایزدی به نام برهما آفریده شده‌اند.

1. Proto-mediterranean

2. Purushasukta

معنی وارنا

کلمه وارنا از نظر ادبی به معنی «رنگ» پوست است. این کلمه در اصل برای تشخیص و اشاره به تفاوت میان افراد جامعه آریایی و بومیان هندی که به عنوان داساها خوانده می‌شدند، به کار برده می‌شد. گوری^۱ در این مورد می‌نویسد: در ریگ ودا کلمه وارنا هرگز برای هیچ‌یک از طبقات چهارگانه کاست استفاده نمی‌شود. این کلمه تنها برای طبقه آریایی‌ها آورده شده است که به عنوان «آریا ورن» با گروه بومیان هندی که آنها را «داسا ورن» می‌گفتند، به مقابله می‌پرداختند. تفاوتی که ریگ ودا میان «آریا وارنا» و «داسا وارنا» اعلام می‌کند، تنها دلیل نشان دادن تفاوت میان آریایی‌ها و سودراها است. در ریگ ودا یک بخش اجتماعی وجود دارد که تقسیمی را در مورد جامعه صورت می‌دهد که جامعه را به سه طبقه یعنی برهمنان، کاشتریا و وایسیه، تقسیم می‌کند. در این تقسیم‌بندی، برهمنان و کاشتریا به طور وسیعی به صورت گروهی از مردم عادی و معمولی نشان داده شده‌اند. اما طبقه چهارم سودراها تنها در سروده «پوروشاسوکت‌ها»^۲ است که در ردیف یک طبقه اجتماعی آورده شده و این تنها منبعی است که نام سودراها به عنوان طبقه چهارم اجتماعی ذکر شده است (Ghurye, 1979, p. 160).

وظایف چهار طبقه وارناها

علما و متفکران مذهب هندو، وظایف و تعهدات خاص و متفاوتی را برای اعضای هر چهار طبقه نظام کاست ورنایی در نظر گرفته‌اند که هر یک از افراد طبقات مختلف ورنایی می‌بایست به تعهدات خود در قبال کاست خود انجام وظیفه کنند؛ به عنوان مثال کنترل خشم، مشاهده حقایق، گذشت، رفتار خالصانه و طرق مختلف سلوک که بخشی از حقیقت است؛ و مسائل دیگر که از وظایف اصلی هر چهار طبقه کاست ورنایی است که هر فرد باید آنها را با دقت انجام دهد. اما وظایف دیگری نیز وجود دارد که اختصاص به طبقه خاصی دارد که افراد آن کاست باید آنها را به دقت انجام دهند و

1. Ghurye

2. Mahshwara

دیگران نمی‌توانند آنها را انجام دهند مانند: آموزش کنترل نفس، ریاضت کشیدن که از وظایف اصلی برهمنان است؛ حمایت از مردم، قربانی کردن، و هدیه دادن که از وظایف خاص طبقه کاشتریا یا جنگجویان است؛ گرفتن جشن قربانی، قربانی کردن، کسب ثروت از طریق مشاغل گوناگون که به صورت تجارت و بازرگانی به صورت منصفانه باید باشد و از امور خاص کاست وایسیه است؛ اما کاست چهارم که در مورد امور سودراها است، کمک دادن به وارناهای دیگر است که همان طبقات بالای نظام کاست هستند و از وظایف آنها شمرده شده است.

می‌گویند طبقه سودراها حق خواندن متن‌های ودا را ندارند و نمی‌توانند این بخش‌های ودا را حفظ کنند، چراکه بر آنها ممنوع است و گناهی بزرگ است این عمل. علما و متفکران مذهب هندو معتقدند افراد تمام وارناها باید وظایف مربوط به کاست خود را به دقت انجام دهند، چراکه مقداری از تعیین وظایف افراد در مقابل نظام کاست توسط ایزدی به نام ماهشاوارا^۱ که همان برهما است، برای آنها تعیین شده و مجموعه گفته‌های او در دو قانون مجزا شکل گرفته که مجموعه قوانین نظام طبقاتی کاست ورنایی برای هندوها تعیین شده است؛ بنابراین، وظایف عادی برای تمام وارناها همین قوانین است (کیتکار، ۱۹۷۹، ص. ۹۵)؛ مثلاً مهمان‌نوازی به عنوان یک اصل مهم برای همه افراد بیان شده که احترام گذاشتن، اجرا و دنباله‌روی از قوانین و اصول دارما، کارما و آرتا^۲ است. پیشکش کردن، کمک و هدایا به دیگران، از دیگر وظایف بزرگ آنهاست. حتی انجام وظیفه برهمنان در این قوانین عبارت است از: رعایت حقایق زندگی و مشاهده آنها؛ انجام رفتار و اخلاق مقرر شده توسط وارنا؛ اجرای قربانی؛ پرهیز از هرگونه آسیب رساندن به هر موجودی.

به طور مشابه کاست کاشتریا نیز دارای وظایف خاصی است که با کاست‌های دیگر دارای تفاوت‌هایی است. این وظایف عبارت است از: مجازات و تنبیه کسانی که

1. Mahshavarna

2. Arta

به مردم آزار و اذیت می‌رسانند؛ و کمک به مظلومان. وظایف کاست و ایسیه نیز با کاست‌های دیگر دارای تفاوت‌های است. این وظایف شامل کار و تلاش مشروع برای خدمت به مردم؛ و خدمت به دو ورنای برهمن و کاشتریا، می‌شوند. در پایان باید گفت وظایف طبقه کاست سودراها با کاست‌های برهمن‌ها، کاشتریا و ایسیه کاملاً متفاوت است. وظیفه اصلی این کاست ورنایی خدمت به سه کاست دیگر یا سه وارنای دیگر است.

از طریق این وظایف است که تفاوت‌های بین کاست‌ها مشخص می‌شود و هر فرد کاملاً می‌داند در برابر دیگر کاست‌ها چه واکنشی انجام دهد و حدود وظیفه‌اش در برابر کاست خود و در برابر کاست‌های دیگر باید به چه صورت باشد (Ghurye, 1979, p. 165).

الف) ورنای برهمن

می‌گویند، برهمنان اصولاً با سه وظیفه و دین متفاوت به دنیا می‌آیند: دین به ایزدان؛ دین به والدین؛ دین به خردمندان، علما و متفکرین مذهب هندو. برهمنان از طریق قربانی کردن، داشتن فرزندان صالح و مطالعه و تحقیق کتب ودایی می‌توانند این سه دین خود را به جا آورند. سه کاست دیگر وارناها باید مطابق با آموزش و تعلیم برهمنان زندگی کنند. برهمنان باید وظایف سه وارنای دیگر را اعلام کنند. در طول دوره بعد از ودیک، اهمیت قربانی کردن، برگزاری مناسک و آیین‌های مذهبی تا حد بسیار زیادی در میان جامعه هندوها افزایش یافت. در نتیجه، این مسائل توانست جایگاه برهمنان را بالاتر ببرد. مزیت برگزاری مناسک قربانی برای برهمنان به شکل انحصاری درآمد، به صورتی که مردم می‌بایست هم ایزدان و هم برهمنان را عبادت و پرستش کنند، چراکه هیچ فرد دیگری نمی‌توانست مناسک قربانی را برای آنها انجام دهد؛ مراسمی که ساعت‌ها به طول می‌انجامید و با دعا‌های فراوانی که حق امتیاز آن تنها در اختیار برهمنان بود، همراه می‌شد. به همین دلیل، در کتاب «ماهابهاراتا» آمده است که تنها یک وارنا وجود دارد و آن هم وارنای برهمن است و دیگر وارنا‌های

موجود (که همان سه کاست دیگر باشند) همگی ساختگی هستند (Singh, 1990, p. 63). در نتیجه جایگاه رفیع و والای برهمنان در جامعه، توانست امتیازات اجتماعی فراوانی را برای آنها فراهم آورد. این امتیازات اجتماعی به صورتی شد که تا به امروز برهمنان دارای همان مزیت‌های اجتماعی هستند که از دیرباز آغاز شده و همچنان ادامه دارد (Wheeler, 1952, p. 132).

ب) ورنای کاشتریا

در نظام طبقاتی ورنایی، کاست کاشتریا دومین طبقه از نظام طبقاتی کاست جامعه هند را در اختیار دارند. واژه راجانیا در ادبیات سانسکریت مترادف با واژه کاشتریا آمده است. همچنین در سروده پورو‌شا سوکت‌ها آمده واژه کاشتریا از ریشه کاشترا به معنی حاکمیت قانون است. به نظر می‌رسد افراد این طبقه را در ابتدا اشراف و نجیب‌زادگان آریایی تشکیل می‌دادند که مهم‌ترین وظایف آنها نیز عبارت بود از: حمایت از مردم، انجام مراسم قربانی، هدیه دادن و غیره که به عنوان وظایف خاص طبقه کاشتریا بیان شده است (Singh, 1990, p. 62).

ج) ورنای وایسیه

وایسیه وارنا، سومین طبقه تشکیلات کاست را نشان می‌دهد. وایسیه از نظر لغوی به تمام مردم اطلاق می‌شود. در ادبیات ودایی، فاصله زیادی بین طبقه برهمنان و کاشتریا از یک طرف و وایسیه از طرف دیگر وجود دارد. اصولاً روحانیان و حاکمان، راجه‌ها و پادشاهان از بین طبقه برهمنان و کاشتریا انتخاب می‌شدند. در ادبیات ودیک حتی یک نمونه از ارتقای وایسیه به مقام برهمنی نمی‌توان به دست آورد (Singh, 1990, p. 63).

د) ورنای سودراها یا داسا ورنای

در ساختار اصلی نظام طبقاتی کاست، سودراها یا داسا ورنای در طبقه چهارم این نظام کاستی قرار دارند. در ادبیات ودیک، واژه داسا را به راحتی می‌توان مشاهده کرد که در

بسیاری از کتب دینی هندوها آمده و به معنای نوکر است. این واژه بعداً با واژه سودرا هم معنی شد. بعضی از انسان‌شناسان همچون ادھا کریشنان، انصاری، کیتکار، گوری و بسیاری دیگر معتقدند، کاست‌ها در ابتدا بر اساس مشاغل شکل گرفته‌اند، اما طولی نکشید که این تقسیم‌بندی‌ها به صورت ارثی درآمد و به نسل‌های بعدی نیز انتقال یافت. این جریان ارثی بودن، در دوره بعد از ودیک جایگاه اصلی خود را در جامعه هند به دست آورد و پیش از آن وجود نداشت، اما بعدها کاست‌ها به چهار وارنا درآمدند و از یکدیگر کاملاً مجزا شدند (Singh, 1990, p. 63).

نتیجه‌گیری

همه اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند کاست کلمه‌ای است با ریشه پرتغالی که وارد زبان انگلیسی شده است. کلمه وارنا که از نظر ادبی به معنی رنگ پوست است، در اصل برای تشخیص و اشاره به تفاوت میان جامعه آریایی و بومیان هندی که به عنوان داساها خوانده می‌شدند، به کار برده شده است. در ریگ ودا کلمه وارنا تنها برای نژاد آریایی که به عنوان آریا ورنّا خوانده شده‌اند و دارای رنگ پوست سفید بوده‌اند، آورده شده است. تفاوتی که ریگ ودا میان آریا وارنا و داسا وارنا اعلام می‌کند، تنها دلیل نشان دادن تفاوت میان جامعه آریایی و غیر آریایی به نام سودراها است. در این تقسیم‌بندی، ریگ ودا جامعه آریایی را در یک طرف قرار داده، و طرف دیگر مردمان بومی هند قرار گرفته‌اند که دارای پوست قهوه‌ای و سیاه هستند. در این تقسیم‌بندی ریگ ودا، آفرینش طبقات آریا ورنّا از سر، بازوان و سینه و ران‌ها قرار داده شده و بومیان از پا به عنوان پست‌ترین بخش بدن به وجود آمده‌اند. این مسئله خود نشان‌دهنده آن است که آریایی‌ها قبل از مهاجرت خود به سرزمین هند دارای نظام طبقاتی کاست بوده‌اند، و تقسیم‌بندی طبقات خود را بر اساس بدن انسان در نظر گرفته بودند. در تقسیم‌بندی جدید خود تنها قسمتی که از آن باقی مانده بود پا بود که به داسا

ورناها داده شد. اما چنانچه بخواهیم کلیه عقاید و نظرات را به صورت خلاصه بیان کنیم، می‌توان آنها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. تقسیمات چهارگانه ورنایی به صورت فشار از سوی آریایی‌ها بر جامعه هند تزریق نشده، بلکه یک جریان کاملاً حفاظتی از فرهنگ و اصول نژادی بوده است؛
۲. ازدواج‌های برون‌گروهی آریایی‌ها با غیر آریایی‌های هندی، به صورت یک مشکل جدید اجتماعی در جامعه آریایی پدیدار شده بود، و طبقه جدیدی بر اساس تداخل خونی بین آریایی‌ها و غیر آریایی‌ها ایجاد کرده بود؛
۳. نظام طبقاتی نشان می‌دهد برهنه‌ها این نظام طبقاتی را برای جامعه آریایی خود به وجود آوردند تا راهی برای جلوگیری از تداخل نژادی بیشتر میان آریا و رناها با داسا و رناها شود؛
۴. این نظام نشان می‌دهد اصلی‌ترین بخش‌های جامعه را خود آریایی‌ها برای خود انتخاب کرده بودند، به طوری که در طول تاریخ کسی نتواند به مشاغل آنها چشم‌داشتی داشته باشد؛
۵. برای حفاظت از اصول نظام طبقاتی کاست، نیاز مبرمی به داشتن رنگ مذهبی بوده که از طریق سروده‌های ریگ ودا به آن داده شده است؛
۶. کاست به روش‌های معین برای کسب مشاغل اختصاص دارد که دارای مرزبندی خاص خود است. این مرزبندی با اصل نژادهای مرتبط همراه است که توسط سنت‌ها و قوانین به وجود آمده و توانسته آنها را شکل دهد؛
۷. نظام طبقاتی ورنایی، محصول اندیشه آریایی‌ها است. حیات اجتماعی کاست نیز وابسته به تقسیمات نژادی کهن هند بوده که از طریق آن توانستند تحولات عظیمی را در جامعه خود در طول تاریخ به وجود آورند؛
۸. این نظام همچنان در جامعه هند استوار است و اعضای جامعه به آن احترام می‌گذارند.

منابع و مآخذ

- بیرو، آ. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- کونن، ب. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- جلالی نائینی، م. (۱۳۶۷). گزیده ریگ ودا. تهران: نشر نقره.
- جلالی نائینی، م. (۱۳۵۸). اوپانیشادها. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرین کوب، ع. (۱۳۸۴). تاریخ مردم ایران. ایران قبل از اسلام. چاپ نهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، ر. (۱۳۷۴). مبانی تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر قومس.
- فردوسی، ا. (۱۳۷۹). شاهنامه فردوسی. از روی چاپ مسکو. به کوشش دکتر سعید حمیدیان. چاپ پنجم. تهران: انتشارات قطره.
- پانوف، م؛ برن. م. (۱۳۶۸). فرهنگ مردم‌شناسی. ترجمه اصغر عسکری خانقاه. تهران: انتشارات ویس.
- نهری، ج. (۱۳۵۰). کشف هند. ترجمه تفضلی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ویل دورانت (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱.
- Ansari, G. (1960). *Muslim Caste in Uttar Pradesh*. Published by The Ethnographic and Folk Culture Society. U. P. Lucknow. India.
- Birx, J. (2005). *Encyclopedia of Anthropology*. New Delhi: Sage Publication.
- Dutt, N. K. (1951). *Origin and Growth of Caste in India*. Vol. 2. London: U. K.
- Ghurye, G. S. (1979). *Caste and Race in India*. publication by Popular Rakashan Private Ltd. Bombay. India.
- Ketkar, S. V. (1979). *History of Caste in India*. New Delhi: Cosmo Publication.
- Levinson, D., and Embwr. M. (1996). *Encyclopedia of culture Anthropology*. American Reference Publishing Company. INC. U. S. A.
- Majumdar, R. C. (1949). *An Advanced History of India*. London.
- Masani, R. P. (1945). *Caste and Structure of Society*. Publisher: Legacy of India. New Delhi.

بررسی انسان‌شناختی نظام طبقاتی آریا و رنا و داسا و رنا در کتاب دینی ریگ ودا ۱۴۷

India.

Peter, B. N. (1993). *The New Encyclopedia Britannica*. Vol. 2. By Encyclopaedia Britannica.

Inc. Printed in U. S. A

Wheeler, J. T. (1952). *India: Vedic and post-Vedic*. Calcutta. India.

Singh, K. (1990). *Indian Social System published*. India: Prakashan Kendra.

